ایران
صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۸ | اذان مغرب ۱۷/۱۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۵ | اذان صبح فردا ۵/۱۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۷

سخن روز

امام علی(ع):
عقل راهنمایی می‌کند و نجات می‌دهد و نادانی گمراه می‌کند و نابود می‌گرداند.
تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص۵۱

نـــگاره
سهیل محمدی

پرهیز از دورهمی های خانوادگی در شرایط کرونایی

هفته کتاب برای علاقه‌مندان به کتاب دلگرمی ایجاد می‌کند

اسماعیل امینی: تأثیر برنامه هفته کتاب در این است که توجه اهل فکر و رسانه و خانواده‌ها را به‌سمت اهمیت کتاب جلب می‌کند، از سوی دیگر برای کسانی که با کتاب ارتباط دارند دلگرمی ایجاد می‌کند زیرا در این هفته از اهالی نشر و اهل قلم تقدیر می‌شود.

عضو شورای سیاستگذاری بیست و هشتمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با ستاد خبری

و من
به دیدن تو
چنان در آیینه ات مشغولم
که جهان از کنارم می گذرد
بی آنکه سر برگردانم
در فصل های خونین هم
می توان عاشق بود

علی بابا چاهی

به جای تعطیلی روی گزینه نظارت جدی تمرکز کنیم

یادداشت

سیدجمال ساداتیان
تهیه‌کننده سینما

در روزهای اخیر زمزمه‌هایی مبنی بر تعطیلی تولیدات سینمایی و تلویزیونی شنیده می‌شود. شیوع کرونا و درگیری تعدادی از هنرمندان این گمانه را تقویت کرده که با تعطیلی پروژه‌های در دست تولید می‌توان سلامتی اهالی سینما و تلویزیون را تضمین کرد. من از مخالفان جدی این تصمیم هستم. حدود ۱۰ ماه از شیوع کرونا گذشته و در این مدت گردش مالی قابل تأملی در حوزه هنر نداشته‌ایم. پیش‌بینی روشنی راجع به پایان دوران کرونا هم وجود ندارد. اعضای صنوف سینمایی از چه منبع مالی و درآمدی باید امور روزانه‌شان را تأمین کنند. طبیعی است که دولت به خاطر تنگناهای اقتصادی قدرت حمایت جدی از تمام صنوف ندارد. پس در نگاه واقع‌بینانه باید به درآمد خودمان متکی باشیم. باید کار کنیم تا امورمان بگذرد. در همین دوران کرونا تأکید داریم که نیاز روزمره مردم باید برطرف شود. برخی اصناف غیرسینمایی که فعالیتشان جزو ضروریات جامعه است در همین شرایط مشغول فعالیت هستند. کارخانه‌ها و بانک‌ها با تمهیدات بهداشتی در حال خدمت‌رسانی و فعالیت هستند. در برخی کارخانه‌ها حدود دو، سه هزار نفر با هم کار می‌کنند. این طور هم نیست که اگر پروتکل‌های بهداشتی را به طور صددرصد رعایت کنند بشود اطمینان داد که کسی مبتلا نمی‌شود و اگر رعایت نکنند همگی مبتلا خواهند شد؛ همه چیز نسبی است. فارغ از معیشت و بیکاری عوامل تولید، نکته مهم دیگر ضرورت تولید کالاهای فرهنگی برای جامعه است. در روزگاری که از یکسو به خاطر شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم به سرگرمی فرهنگی نیاز دارند و از سوی دیگر اصرار به خانه‌نشینی و عدم تردد آنها داریم باید برای اوقات فراغت خانواده‌ها تدبیر کنیم. اگر در تولیدات شبکه نمایش خانگی و تلویزیون را تخته کنیم آن وقت چطور می‌توانیم این جذابیت را ایجاد کنیم تا مردم در خانه بمانند. با تأکید بر همین دو مؤلفه یعنی نیاز اقتصادی اهالی سینما بخصوص صنوف کم‌درآمد و همچنین لزوم ایجاد تفریحات فرهنگی، معتقدم چرخه فعالیت تولیدات سینمایی و تلویزیونی باید تداوم داشته باشد. در عین حال تلاش کنیم پروتکل‌ها و توصیه‌های بهداشتی به طور کامل رعایت شود. قوانین جامع برای تمام صنوف تعیین کنیم و مکلف به اجرای آن باشیم. همان‌طور که از شهروندان می‌خواهیم در صورت برخورد با گرانفروشی، تخلفات را به تعزیرات گزارش بدهند باید نهادی برای رسیدگی به این دست تخلفات در سینما وجود داشته باشد. اگرچه رعایت موازین بهداشتی و تمهیدات لازم برای گروه تولید یک بحث اخلاقی است و برعهده تهیه‌کننده و تمام گروه است اما اگر در یک پروژه سهل‌انگاری مشاهده شد تک تک اعضای گروه وظیفه دارند که تهیه‌کننده را ملزم به تعهداتش کنند و فشار بیاورند که موظف است مقدمات و تمهیدات لازم را فراهم کند. لازم است سازمان سینمایی هم در صدور مجوزهایش تهیه‌کننده را به رعایت تمام تمهیدات بهداشتی مقید کند. باید نهادی در ستاد خانه سینما برای رسیدگی به گزارش تخلف‌ها باشد تا اگر تهیه‌کننده‌ای به منظور فرار از هزینه‌های بهداشتی در وظیفه‌اش کوتاهی کرد، رسیدگی شود. عوامل فیلم‌ها بدون مشخص شدن نامشان شکایتشان را منعکس کنند و خانه سینما بازرس‌هایی را برای راستی‌آزمایی این گزارش‌ها ارسال کند. اگر تهیه کننده‌ای به خاطر صرفه‌جویی اقتصادی از مهیا کردن شرایط خودداری کند، آگاه باشد که ممکن است هزینه‌های بیشتری متحمل شود. تهیه‌کننده موظف به بیمه تمام عوامل است و بیمه برای تهیه‌کننده هزینه بردار است. بر این اساس پیشنهاد می‌کنم به جای دمیدن بر تنور تعطیلی تولیدات نمایشی بهتر است برای اعمال قوانین دقیق و اجرای پروتکل‌های بهداشتی تدبیر کنیم. کار سختی نیست. شاید با یک تذکر در پروانه ساخت یا گرفتن تعهد از تهیه‌کننده بشود مشکلات را حل کرد.

حکمرانی تلخ شبکه‌های اجتماعی

سایه روشن

محدثه واعظی‌پور
روزنامه‌نگار

حسن معجونی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون به تازگی در مصاحبه‌ای گفته تعداد فالوئرهای افراد در فضای مجازی نشان دهنده توانمندی آنها در حرفه‌شان نیست.

معجونی به واقعیتی اشاره کرده که همه بخش‌های زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده است. این روزها، اغلب مردم چنان درگیر حواشی رایج در فضای مجازی و تبلیغات شبکه‌های اجتماعی هستند که معیارها و ملاک‌های درست و حرفه‌ای را فراموش کرده و گاه به آن بی‌اعتنا شده‌اند؛ در روزهای بی‌تأثیر بودن رسانه‌های رسمی و در رواج کم‌سوادی و بی‌سلیقگی، همه چیز جا به جا شده است. بنابراین، افرادی به شهرت و محبوبیت می‌رسند که ظرفیت شخصیتی، روحی و اخلاقی اندکی دارند. شاید بحث شهرت این افراد چندان مهم نباشد، چرا که با گذشت زمان و تغییر حال و هوای جامعه فراموش می‌شوند اما پیامدهای ظهور چنین پدیده‌هایی برای فرهنگ خطرناک است؛ در جامعه‌ای که بازیگری را با عزت‌الله انتظامی، خسرو شکیبایی، سوسن تسلیمی، فاطمه معتمدآریا و علی نصیریان یا پرویز پرستویی می‌شناسیم، به کمک شبکه‌های اجتماعی و در بستری که این فضا ایجاد کرده چهره‌هایی دیده می‌شوند که کمترین هنر و استعدادشان مربوط به بازیگری است. اما به نام «بازیگری» خبرساز می‌شوند و مدت زمانی نامشان را سر زبان می‌اندازند؛ در کشوری که محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، کیهان کلهر، حسین علیزاده و... مفاخر موسیقی‌اش هستند، ترانه‌هایی به گوش می‌رسد که با هیچ متر و معیاری نمی‌توان نام هنر یا موسیقی به آن اطلاق کرد، ترانه‌هایی که جدا از مضمون غیراخلاقی و واژه‌های رکیک، ربطی به مفهوم واقعی «ادبیات» و «شعر» ندارند، اما بسیاری از جوان‌ها که ممکن است در طول عمرشان قطعه‌ای از شجریان یا شهرام ناظری گوش نداده باشند، بارها و ساعت‌ها چنین اباطیلی را زمزمه کنند.

رسانه‌های مجازی، دائم در حال تولید محتوا هستند. فیک نیوزها جای اخبار واقعی را گرفته و ذهن مردم را مسموم کرده‌اند. هر کجا پا می‌گذاریم، مردم براساس دریافت‌هایشان از شبکه‌های اجتماعی درباره رویدادها اظهار نظر می‌کنند، اطلاعات غلط پزشکی، سیاسی و هنری دست به دست می‌شوند و مردم بر پایه آنها تحلیل ارائه می‌دهند. کمتر کسی مطالعه می‌کند یا تن به جست‌وجوی واقعیت می‌دهد. نکته تلخ‌تر این که به یمن شبکه‌های اجتماعی، هر کس می‌تواند صاحب رسانه باشد، آرا و افکارش را منتشر و مریدانی برای خود دست و پا کند. لایوهای اینستاگرام در ماه‌های اخیر، عرصه‌ای برای درخشش این چهره‌ها بوده است. عروسک‌های خیمه شب بازی سایت‌های شرط‌بندی یا جوانان جویای نامی که برای دیده شدن و جذب فالوئر هر کاری می‌کنند.

حسن معجونی بازیگر هنرمند و کارگردان تعدادی از بهترین نمایش‌های یک دهه اخیر، در تازه‌ترین مصاحبه‌اش بدرستی به این موضوع اشاره کرده است که سلبریتی شدن در فضای مجازی و تعداد فالوئرهای افراد، ربطی به هنر و توانایی آنها ندارد. این بحرانی است که به پیکر نحیف تئاتر، سینما، موسیقی و فرهنگ ما زخم‌های جدی می‌زند.

رمانی برآمده از تاریخ

پیشنهاد

«جاسوسان شمس‌آباد بالا» نوشته «پرینار علیش» ازجمله آثاری است که به همت نشر تاریخ ایران در اختیار علاقه‌مندان قرارگرفته است؛ وجود برخی عکس‌های تاریخی در لا به لای صفحات کتاب همان ابتدا مخاطب را متوجه این نکته می‌سازد که با رمانی تاریخی طرف است و البته اسم کتاب که این حدس را قوت می‌بخشد. فضای داستان‌های مندرج در این نوشته حول یکی از اتفاقات مهم تاریخ معاصر کشورمان، هجوم متفقین و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ شکل گرفته است؛ برهه تاریخی خاصی که نه‌تنها اروپاییان درگیر جنگ شدند بلکه ایران هم از آن در امان نماند، هرچند که«جاسوسان شمس‌آباد بالا» در بخش‌هایی هم با تخیل نویسنده و تجربه‌های زیستی‌اش، برآمده از مهارت اصلی پرینار علیش، سینما و نقاشی است؛ گرچه خواه‌ناخواه با تاریخ و ادبیات هم درآمیخته است. داستان این رمان پیرامون خانواده‌ای از بازماندگان خاندان قاجار است که حالا برای گذران تابستان به منطقه‌ای ییلاقی در شمس‌آباد آمده‌اند؛ در کنار تلاش نویسنده برای روایت داستانی بخشی از آنچه به ایران گذشته، مخاطب به مرور باشخصیت‌های رمان آشنا می‌شود، اما از نکات جالب این رمان می‌توان به توجه خاصی اشاره کرد که نویسنده به زنان داشته، آن چنان که شخصیت‌های زن جای گرفته در این رمان به مراتب قوی‌تر از مردانی هستند که درباره آنان می‌خوانید؛ درگیری ایران در آن برهه خاص سیاسی با جنگ و وجود مشکلات متعدد معیشتی ـ اقتصادی از دیگر نکاتی است که در خلال روایت این رمان تا حدی با آن آشنا می‌شوید. برخی منتقدان ادبی این رمان را تا حدی به آثار مشهوری همچون«دایی جان ناپلئون» ایرج پزشکزاد هم شبیه می‌دانند. با این حال اگر فرصت چندانی برای مطالعه ندارید خبر خوب این که نسخه صوتی این کتاب هم از سوی«واو خوان» و با گویندگی«متین بختی» نیز منتشرشده است.

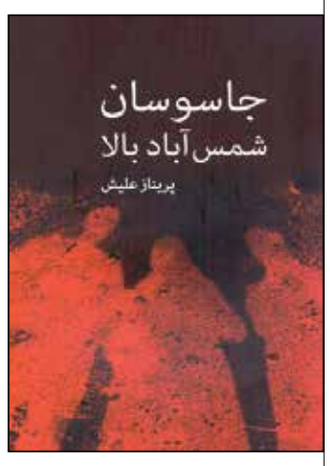

■ جاسوسان شمس‌آباد بالا
■ نویسنده: پرینار علیش
■ ناشر: تاریخ ایران

به نام تاریخ

■ ۲۰ آبان

در برگه تقویم امروز نام‌های بزرگی ثبت شده است؛ نام‌هایی در عرصه هنر و ادبیات که سالروز تولد یا درگذشت‌شان امروز است.

■ تولدها

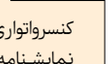

دنیافنی زاده: عروسک گردانی که با عروسک کلاه قرمزی او را می‌شناسیم اگر بود امروز ۵۳ ساله می‌شد. دنیا فنی‌زاده دختر پرویز فنی‌زاده بازیگر سرشناس سینما و تلویزیون بود و شرکت در جشنواره‌های مختلف ایرانی و خارجی باعث شد از کودکی به آثار عروسکی مخصوص کودکان علاقه پیدا کند و بالاخره هم رشته عروسک گردانی را در دانشگاه انتخاب کرد. سال ۱۳۶۴ و در برنامه تلویزیونی «چتر با آواز باران» اولین کار جدی او در زمینه عروسک گردانی بود و پس از آن با همکاری در برنامه‌هایی مانند «زاغچه کنجکاو» به‌عنوان یک عروسک گردان کاربلد جایگاهش را پیدا کرد و در فیلم‌هایی مانند «گربه آوازه خوان» هم به‌عنوان عروسک گردان حضور داشت. اوج کار او حضور در برنامه «صندوق پست» به‌عنوان عروس گردان کلاه قرمزی بود. فنی‌زاده آنچنان به عروسک‌ها روح و جان می‌داد که خیلی‌ها به نظرشان کلاه قرمزی شخصیتی زنده بود. دنیا فنی‌زاده سال ۱۳۹۵ بر اثر بیماری سرطان درگذشت.

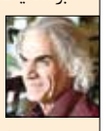

علی باباچاهی: شاعر و نویسنده ایرانی سال ۱۳۲۱ به دنیا آمد. علی باباچاهی از دوران تحصیل به شعر و ادبیات علاقه داشت و اشعارش در مجله‌های آن زمان منتشر می‌شد. سال ۱۳۴۶ مجموعه شعر «در بی‌تکیه گاهی» از او منتشر شد و پس از آن مجموعه شعرهای «جهان و روشنایی‌های غمناک»، «از نسل آفتاب»، «صدای شن» و «از خاک‌مان آفتاب برمی آید»، «این کشتی پر اسرار»، «آئورا و دیگران من» را منتشر کرد. باباچاهی در این سال‌ها به‌عنوان منتقد ادبی بسیار فعال بوده و آثاری مانند «گزاره‌های منفرد»، «سه دهه شاعران حرفه ای»، «شعر امروز، زن امروز» و «گزاره‌های پیوست» در این زمینه از او منتشر شده‌اند.

انیو موریکونه: آهنگساز و نوازنده مشهور ایتالیایی سال ۱۹۲۸ در چنین روزی به دنیا آمد. انیو موریکونه موسیقی را با نواختن ساز ترومپت آغاز کرد چون پدرش نوازنده این ساز بود و از ۱۲ سالگی به کنسرواتواری در رم رفت تا تحصیل کند. او همزمان با تحصیل برای نمایشنامه‌های رادیو آهنگسازی می‌کرد و پس از شرایط سخت جنگ جهانی دوم در اوایل دهه ۶۰ میلادی در کارش آنچنان پیشرفت کرد که به یکی از بهترین موزیسین‌های ایتالیایی تبدیل شد. او بیش از ۵۰۰ ترانه تنظیم کرد اما بیشتر با آهنگسازی برای فیلم شناخته می‌شود. از سال ۱۹۶۱ او کار آهنگسازی برای فیلم و سریال‌های تلویزیونی را آغاز کرد و در طول سال‌های فعالیتش با کارگردان‌های بزرگی همکاری داشت. موسیقی فیلم‌های «یک مشت دلار»، «به خاطر چند دلار بیشتر»، «خوب، بد، زشت»، «سینما پارادیزو»، «روزی روزگاری در امریکا» و «مالنا» از آثار مشهور اوست. موریکونه همین امسال و در جولای ۲۰۲۰ درگذشت.

سالروز تولد **لعبت والا** شاعر، **فردریش شیلر** شاعر آلمانی، **هوشنگ کاوه** تهیه کننده، **حسین آتش پرور** داستان نویس، **عباس اوجی فرد** شاعر، **یدالله شهرجو** شاعر، **جوادقاسمی** شاعر، **غلامحسین لطفی** بازیگر و کارگردان و **مژده لواسانی** مجری هم امروز است.

■ درگذشت‌ها

منوچهر شیبانی: شاعر ایرانی سال ۱۳۷۰ در چنین روزی درگذشت. منوچهر شیبانی متولد سال ۱۳۰۳ بود و آشنایی اش با نیما یوشیج باعث شد علاقه او به ادبیات و شعر جهت پیدا کند. سال ۱۳۲۴ اولین مجموعه شعر او به‌نام «جرقه» منتشر شد که در آن شعر نیمایی سروده بود. پس از آن «آتشکده خاموش» و «سراب‌های کویری» را نوشت و منتشر کرد. شیبانی در ایتالیا نقاشی خوانده بود و نمایشگاه‌های زیادی در ایتالیا از آثارش برگزار کرد که معرف آداب و رسوم ایران بودند. در ایران هم نمایشگاه‌های زیادی از نقاشی‌های شیبانی برگزار و برنده جایزه هنرهای زیبای نخستین بی‌ینال تهران در سال ۱۳۳۷ شد. شیبانی نمایشنامه هم می‌نوشت و نمایش «لولوی سر خرمن» با متن او به کارگردانی علی نصیریان روی صحنه رفت. «اپرای جشن دهگان» و اپرای «دلاور سهند» هم از دیگر آثار او در این زمینه است.

نورمن میلر: نویسنده مشهور امریکایی سال ۲۰۰۷ درگذشت. نورمن میلر متولد ۱۹۲۳ بود و رشته مهندسی هوانوردی را در دانشگاه هاروارد می‌خواند اما در همان دوران دانشگاه اولین داستانش را نوشت و منتشر کرد و پس از آن دیگر به‌عنوان نویسنده شناخته شد. «برهنگان و مردگان»، «ساحل بربر»، «پارک گوزن» و «رؤیای امریکایی» از دیگر داستان‌های اوست. او سال ۱۹۶۹ با داستان «سپاهیان شب» برنده جایزه کتاب ملی سال شد و سال ۱۹۶۸ جایزه پولیتزر را برد. میلر علاوه بر این به دلیل فعالیتش علیه جنگ امریکا در ویتنام شناخته می‌شود.

اسماعیل ریاحی کارگردان و **آرتور رمبو** شاعر فرانسوی در چنین روزی درگذشتند.

عکس نوشت

امروز سالروز تولد دنیا فنی‌زاده است. عروسک گردانی که عروسک های زیادی مانند هادی و هدی، نخودی و گربه آوازه‌خوان با هنر او جان گرفتند اما کلاه قرمزی ماندگارترین کار فنی زاده بود. فنی زاده از ابتدا عروسک گردان کلاه قرمزی بود و آنقدر دوستش داشت که می گفت: «کلاه قرمزی پسر بزرگ من است و فرزندان من از او کوچک‌ترهستند.» زمانی که بیماری فنی‌زاده شدت گرفته بود حرف‌هایی درباره حضور نداشتن او در سریال کلاه قرمزی زده می شد اما خودش می گفت: «دو جور نبودن هست، اینکه من اصلاً نباشم که این را فقط خدا می داند یا اینکه من دیگر عروسک گردانش نباشم؛ غم انگیز است. اگر روزی گروهم که با آنها کار می کنم صلاح بدانند که کنار کلاه قرمزی نباشم، قبول می کنم. فقط یک خواهش از آنها دارم: اینکه اجازه دهند در کار باقی بمانم، حتی اگر قرار نباشد عروسک گردانی کنم.»

بورس

هشتگ

سقوط دوباره شاخص بازار بورس موضوعی بود که کاربران زیادی به آن پرداختند و درباره‌اش نوشتند. بخصوص با اعتراض بعضی سهامداران مقابل سازمان بورس که عکس‌ها و فیلم‌هایی از آن در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. گلایه از افت شاخص، پیش‌بینی شرایط و حتی شوخی با این مسأله را بین نوشته‌های کاربران می‌دیدیم: «سقوط بورس با ریزش ۲۴ هزار واحدی همچنان ادامه دارد و شاخص کل را به یک میلیون و ۲۱۶ هزار واحد رساند.»، «به نظرم این داستان بورس و دلار و این چیزا آخرین تیر ترکش کسانی هست که نمی‌خواهند کشور و مردم اندکی روی آرامش ببینند. این چند وقت شاهد انواع تنش‌ها سر این نوسان خواهیم بود. طیف وسیعی از جریانات هم بر آتش نارضایتی مردم می‌دمند. به نظرم مردم باید اندکی آرامش خود را حفظ کنند»، «اگه پولی که توی بورس سرمایه‌گذاری کردی رو به من قرض میدادی لااقل از اصل پول چیزی کم نمی شد»، «خدا رو شاکرم که از اولش هم پولی نداشتیم که تو بورس بذارم و فقط چندتا عرضه اولیه گرفتم ولی یه سلامی میدم به اون رفقایی که می گفتن عرضه اولیه چندین ساله ضرر نمیده... سلام گرگ وال‌استریت»،: تحریم میشیم، بورس میریزه. کرونا کشته میده، بورس میریزه. ترامپ کرونا میگیره، بورس میریزه. ترامپ خوب میشه، بورس میریزه. انتخابات امریکا میشه، بورس میریزه. رسانه‌ها میگن باید برنده شد، بورس میریزه. تقلب در انتخابات آشکار میشه ،بورس میریزه»، «بینیم سیمپسون هلیش بینی‌کردن بورس ایران کی درست میشه؟»، «تنها راه نجات بورس برداشتن دامنه قیمتی است. دلار را ببینید، یه روز میریزه حسابی، فرداش میره بالا»، «اون موقع که قیمت‌ها ثانیه‌ای می رفت بالا فلان آموزشگاه nمیلیون گرفت آموزش بورس بده، از گرونی حال می کردن چون شاخص می رفت بالا...بعد شش ماه میگن برید اعتراض کنید. زیبا نیست؟»، «این اصلاح بازار سرمایه نیست نابودی پول مردمه»، «در گیر و دار مشکلات ستاد ملی مقابله با کرونا برای تعطیلی دو هفته‌ای پایتخت، مردم در اعتراض به از دست رفتن سرمایه هایشان، در مقابل سازمان بورس تجمع کردند»، «بارها دلسوزانی درخصوص بورس هشدار دادند؛ اما در مقابل مسئولانی آمدند و برخلاف نظرات کارشناسی سخن گفتند یا عمل کردند؛ خب نتیجه روشن است در این میان سهامداران خرد که با سختی و مشقت فراوان اندکی پول قرض گرفته بودند یا پس‌انداز کرده بودند، بازنده اصلی این بازی‌ها شدند.»، «ظاهراً بورس گوسفند عزا و عروسی است چه ترامپ رأی بیاورد چه بایدن»، «با یک تصمیم اشتباه سازمان بورس، سرمایه مردم دود شد رفت هوا. آقایان مدیران بورس چطور بعد از یک ماه به این فکر افتاده‌اید که تصمیمتان اشتباه بوده و میخواهین اون را اصلاح کنین.»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

خستگی و ایستادگی کادر درمان

ماجرا

این روزها و با بالا رفتن آمار مبتلایان و قربانیان بیماری کرونا خیلی‌ها درباره کادر درمان می‌نویسند. از خستگی‌ها و تلاش‌شان: «تصویری از پرستار ایرانی که دنیا را تکان داد! «خسته اما پایدار. خدایا، شیفت آخرم نباشه» پرستاران و همه کادر درمان بی‌وقفه و شبانه‌روز به مداوا، پرستاری و امداد بیماران مبتلا به کرونا

می‌پردازند و فرصت اندکی برای استراحت دارند.»، «تعداد فوتی‌های کادر درمان طبق آمار فعالان صنفی و رسانه‌ای مستقل جامعه پزشکی به رقم وحشتناک ۳۵۰ نفر رسید. گویی مردن مردم و کادر درمان امری عادی شده است. فرسودگی و ابتلا و مرگ کادر درمان، آمار فوتی‌های سایر مردم را هم بالا می‌برد. کمبود تجهیزات حفاظتی واضح است.»، «اینایی که معتقدند کادر درمان پولشو میگیرن، همونایی که وقتی بهشون میگی آشغال نریز میگن کارگر شهرداری پول میگیره واسه چی؟! ایناروول کنین، عقل ندارن راحتن»، «مدام برید مهمونی و گردش، دورهمی، عروسی (جالبه استوری میذارن جشن با تعداد محدود در فضای خصوصی و باز)کی رو گول میزنین؟ به فکر خودتون نیستین مهم نیست به فکر کادر درمان باشین. چرا باید چوب نادانی شما رو بخورن؟ باور کنین کرونا از رگ گردن بهتون نزدیکتره»، «جناب دکتر نوبخت خواهشاً این فوق‌العاده کادر درمان را اینقد به روزهای آتی موکول نکنید.»، «کادر درمان دارن از جونشون مایه میذارن، این مدت تنها خواسته‌ای که داشتن در کنار رعایت کردن این بوده که تا علائم کروناتون شروع شد برید دکتر دارو بگیرید که وخیم نشه، که کار به ICU نکشه و...بعد زیر توئیت‌هایی که خبر مثبت شدن هست چندتا پیدا میشن که نوشته نرو دکتر، آب نمک غرغره کن»، «تصور اینکه چه سرمایه‌های بزرگی از دستمان رفته، ترسناک‌تر از چهره زشت کروناست. جان‌های عزیز را گرامی دارید»، «نفسم می گیرد در هوایی که چنین نفس‌هایی قطع می شود.سرمایه‌های کادر درمان که دیگر جان ندارند.لبخندهایی که خاموش شدند.... با احترام به روح بزرگ این عزیزان»، «این کادر درمان که میگن.ماهم خانواده یکیشونیم. دمتون گرم که با مسافرت رفتن و رعایت نکردنتون پدرمونو درآوردین...»